

Review of Legal and Jurisprudential Principles Regarding the Validity of Digital Currencies in Medical Contracts

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Babak Panahi¹

Yoosef Molaei^{2*}

Hamid Talebzadeh³

How to cite this article

Babak Panahi, Yoosef Molaei, Hamid Talebzadeh, Review of Legal and Jurisprudential Principles Regarding the Validity of Digital Currencies in Medical Contracts, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(3): 145-154.

1. PhD Student, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

2. Assistant Professor, Law Department, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: y.molaei@gmail.com

Article History

Received: 2021/04/05

Accepted: 2021/08/02

ABSTRACT

Purpose: The present study tries to examine and analyze the legal and jurisprudential arguments regarding the validity of digital currencies in medical contracts in order to clarify this issue through these studies of legal and jurisprudential rulings.

Materials and Methods: This research has been carried out by the method of library studies and in a descriptive-analytical manner, which has been obtained and analyzed by referring to Quranic, narrative, legal and jurisprudential texts.

Findings: Digital currencies are one of the emerging currencies that are used in transactions and contracts, including medical contracts. However, since the nature of this type of currency has not been clearly and comprehensively explained yet, from a legal and jurisprudential point of view, doubts have been raised about their validity and being the price of contracts. Therefore, the main question of the research is "Is digital currency valid in medical contracts from a jurisprudential and legal point of view?". The research hypothesis is that there are two perspectives on this. Some, based on the verse of the denial of the mustache «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ» (النساء: ۲۹)، the lack of combustion of the transaction. , The arrogance of the transaction and some other jurisprudential and legal arguments do not consider these currencies valid. But others have confirmed the validity of these currencies by citing the theory of purchasing power, the theory of nominal value and other jurisprudential and legal generalities.

Conclusion: By referring to the general Quranic verses and rules and the principles and rules of jurisprudence and theories of experts that have religious authority, it can be considered valid by determining the appropriate principles, rules and legislation in this regard and careful monitoring of digital currencies.

Keywords: Legal Bases, Jurisprudential Bases, Digital Currencies, Medical Contracts, Verses of the Holy Quran.

بررسی مبانی حقوقی و فقهی در خصوص اعتبار

ارزهای دیجیتال در قراردادهای پزشکی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

*نویسنده مسئول: y.molaei@gmail.com

مقدمه

امروزه در بخشی از مبادلات و قراردادهای پزشکی، ارزهای دیجیتال جایگزین ارزهای سنتی شده است. بیت کوین (Bitcoin) اولین ارز دیجیتالی بود که با به عصر دیجیتال گذاشت و بعد از آن ریپل (Ripple)، اتریوم (Ethereum)، آیوتا (Iota)، داش (Dash) و نمونه های بسیار زیادی از این قبیل، در دنیای ارز دیجیتال متولد شده و همچنان در حال تولد اند. دولت های مختلف در قبال این ارزهای رویکردهای گوناگونی را اتخاذ کرده و برخی آن ها را به رسمیت شناخته و برخی نیز این ارزها را در مبادلات و قراردادهای فاقد اعتبار می دانند. در ایران نیز هنوز قانون جامع و رویکرد شفافی در خصوص این ارزها اتخاذ نگردیده است و تنها اظهار نظرها جسته و گریخته ای از سوی برخی مسئولین و یا برخی صاحب نظران و حقوقدانان مطرح شده است. با توجه به اینکه فعالان عرصه و خرید تجهیزات پزشکی از سایر کشورها با مشکلات انتقال ارزهای سنتی مواجه هستند می توان از ارزهای دیجیتال به عنوان جایگزینی مناسب و با سهولت بیشتر بهره برد. به هر روی ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد ضرورت پژوهش فقهی حقوقی در زمینه اعتبار ارزهای دیجیتال را توجیه می نماید. هر روی پرسش فراروی پژوهش این است که «آیا از منظر فقهی و حقوقی ارزهای دیجیتال در قراردادهای پزشکی دارای اعتبار است؟». برای پاسخ به این پرسش لازم است دیدگاه ها و منابع و ادله فقهی و حقوقی در این زمینه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ماهیت ارزهای دیجیتال

ایده اولیه ساخت ارز دیجیتال به سال ۱۹۹۸ میلادی برمی گردد. در این سال متخصصان حوزه فناوری اطلاعات، تعریفی از نوع جدیدی از پول ارائه کردند که توسط کامپیوتر رمزنگاری شده و بدون نیاز به هیچ واسطه و بانکی برای انجام معاملات تولید می شود. به عبارت دیگر در ارزهای دیجیتال، هیچ سرویس دهنده مرکزی یا موسسات مالی برای کنترل نقل و انتقالات مالی وجود ندارد و این سیستم مبتنی بر یک شبکه است که روی یک پایگاه داده غیرمتمرکز به اسم بلاک چین فعالیت می کند. ماهیت غیرمتمرکز نیز به این معنی است که برای همه افراد قابل دسترسی است و برخلاف سیستم بانکی که به هر شخص اجازه ایجاد حساب نمی دهد؛ عموم افراد می توانند در سیستم بلاک چین به فعالیت بپردازند. فرآیند استخراج ارز دیجیتال برای همگان مقدور است و این عامل سبب محبوبیت این گونه ارزها در سطح جهان می شود. این گونه ارزها برخلاف ارزهای اسمی و رایج که توسط بانک مرکزی هر کشور و با پشتوانه ای که عمدتاً طلاست، منتشر می شود؛ فاقد هرگونه پشتوانه فیزیکی است و برای انتشار هم نیازی به بانک مرکزی ندارد که می توان این عامل را اصلی ترین تفاوت بین ارز دیجیتال با دیگر پول های رایج سنتی قلمداد کرد. در سال های اخیر، تلاش های بسیاری از سوی متخصصان حوزه فناوری اطلاعات، جهت

بابک پناهی^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

یوسف مولائی^{۲*}

استادیار، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

حمید طالب زاده^۳

استادیار، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر تلاش می کند ادله حقوقی و فقهی در خصوص اعتبار ارزهای دیجیتال در قراردادهای پزشکی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا از رهگذر این بررسی های حکم حقوقی و فقهی این مساله مبرهن گردد.

مواد و روش ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به متون قرآنی، روایی، حقوقی و فقهی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: ارزهای دیجیتال یکی از ارزهای نوپدید است که در معاملات و قراردادهای از جمله قراردادهای پزشکی مورد استفاده قرار می گیرد. لکن از آنجایی که هنوز به طور شفاف و همه جانبه ماهیت این نوع ارز تبیین نشده است لذا از منظر حقوقی و فقهی تردیدهایی در اعتبار آن ها و قرار گرفتن به عنوان ثمن قراردادهای مطرح شده است. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که «آیا از منظر فقهی و حقوقی ارزهای دیجیتال در قراردادهای پزشکی دارای اعتبار است؟». فرضیه پژوهش این است که دو دیدگاه در این باره وجود دارد. برخی با استناد به آیه ی نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...» (نساء: ۲۹)، عدم مالیت ثمن، سفته بودن معامله، غرری بودن معامله و برخی دیگر از ادله فقهی و حقوقی این ارزها را معتبر نمی دانند. ولی برخی دیگر با استناد به نظریه قدرت خرید، نظریه ارزش اسمی و دیگر عموماً فقهی و حقوقی اعتبار این ارزها را مورد تأیید قرار داده اند.

نتیجه گیری: با استناد به آیات و قواعد عام قرآنی و اصول و قواعد حقوقی فقهی و نظریات کارشناسان که دارای حجیت شرعی است می توان با تعیین اصول و ضوابط و قانونگذاری شایسته در این خصوص و نظارت های دقیق ارزهای دیجیتال را دارای اعتبار دانست.

واژگان کلیدی: مبانی حقوقی، مبانی فقهی، ارزهای دیجیتال، قراردادهای پزشکی، آیات قرآن کریم.

شده و میتواند با استفاده از علم ریاضیات، کدهای رمزنگاری شده ای را ایجاد کند تا اطلاعات پنهان بماند و کسی نتواند در روند تولید، انتشار و انجام مبادلات خللی وارد آورد.

ارز دیجیتال خصوصیات یکسانی با ارزهای معمول و رایج فیزیکی دارند. برای مثال کاربر می‌تواند به واسطه آن‌ها فوراً به خرید و واریز مبلغ مورد نیاز بپردازد و این مهم در تمام دستگاه‌ها یا شبکه‌هایی که از این ارزها پشتیبانی می‌کنند، به سهولت قابل دسترسی است.

در یک نمونه دیگر می‌توان بعد قابل توجه‌تری را نظاره کرد؛ فرض کنید که یک آمریکایی حتی می‌تواند با اتصال به شبکه یکسان، با یک فرد سنگاپوری به معامله و انتقال ارز مورد نیاز بپردازد.

بنابراین آشکار است که ارزهای دیجیتال چندین مزیت بزرگ را در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند. یک پرداخت توسط ارز دیجیتالی مستقیماً بین دو طرف معامله صورت می‌پذیرد و با حذف واسطه، این معامله با کمترین هزینه و صد البته بیشترین سرعت صورت می‌گیرد. این نوع معاملات در مقایسه با روش‌های پرداخت سنتی و مرسوم کنونی که بانک‌ها و گاه واسطه‌ها و موسسات شخص ثالث را درگیر معامله می‌کند، به مراتب بهتر است. علاوه بر این، معامله از طریق ارز دیجیتال بی‌اساس نیست؛ به عبارتی سابقه پرداخت شما و طرف مقابل ثبت می‌شود و بعدها طرفین قادر به استفاده از صورت حساب‌ها در محاسبات احتمالی هستند.

با توجه به تعداد زیاد ارزهای این چنینی، می‌توان ارز دیجیتال را به عنوان سرده ارز مجازی و رمز ارز تلقی کرد. اگر قوانین مربوط به چنین ارزهایی توسط بانک مرکزی یک کشور تدوین و ارائه شود، موسسه مرجع ارزهای دیجیتال با نام «بانک مرکزی ارز دیجیتال» شناخته خواهد شد. با وجود آن که این مفهوم همانند خود ارز دیجیتال به صورت بصری قابل مشاهده و در درجاتی ملموس نیست، اما کشورهای بسیار اندکی از جمله انگلستان، سوئد و اروگوئه از معدود مناطقی هستند که تاکنون برای عرضه ارز دیجیتال به عنوان یک ارز مصوب، برنامه واحد و مشخصی را ارائه داده‌اند. در نتیجه در کنار شکل تنظیم و برنامه‌ریزی شده ارز دیجیتال، این ارزها می‌توانند در شکلی غیرمصوب نیز به کار خود ادامه دهند.

امروزه ارزهای دیجیتال را می‌توان به صورت الکترونیک از طریق کارت‌های عابر یا کارت‌های اعتباری در فروشگاه‌ها و وبسایت‌هایی که از این گونه ارزها پشتیبانی می‌کنند، استفاده کرد. طیف گسترده‌ای از این ارزها از روش‌های پرداخت بدون تماس استفاده می‌کنند که سهولت زیادی را در پرداخت ایجاد می‌کند.

برای اشاره به اولین تلاش‌های ثبت شده در این زمینه می‌توان به سال ۱۹۹۴ میلادی بازگشت. یکی از بانک‌های موجود در سوئینگدون کشور انگلستان با نام **Mondex and National Bank** به کاربران خود استفاده از کیف پول الکترونیک را پیشنهاد می‌داد.

در سال ۲۰۰۵ موسسه‌های **Telefonica** و بانک **BBVA** یک سیستم تراکنش پیشرفته‌تر را با نام موبی پی (**Mobipay**) در اسپانیا راه انداختند که از عملکرد پیام کوتاه برای انجام تراکنش‌ها

عملیاتی کردن این ایده صورت گرفت تا در سال ۲۰۰۸ میلادی، مقاله‌ای توسط یک شخص ژاپنی با نام مستعار ساتوشی ناکاموتو انتشار یافت که در این مقاله به تشریح و عملیاتی کردن سیستم‌های پرداخت ارز دیجیتال پرداخت و در نهایت در سال ۲۰۰۹ میلادی، بیت‌کوین به‌عنوان اولین واحد ارز دیجیتال و یک نمونه موفق عملیاتی، ایجاد و به همگان معرفی شد. بیت‌کوین همچنین یکی از محبوب‌ترین ارزهای دیجیتال در میان فعالان شناخته می‌شود و دارای ارزش بازاری به میزان ۲۲۱ میلیارد دلار است. اما این ارز همان‌طور که در نمودار هم مشخص است در ابتدا دارای قیمت بسیار پایینی بود و در سال ۲۰۱۷ میلادی با قیمت‌های ۱۰۰۰ دلار در بازار معامله می‌شد. اما از آوریل ۲۰۱۷ میلادی جهش قیمتی خود را آغاز کرد و در دسامبر همان سال به بالاترین مقدار خود در تاریخ یعنی ۱۹ هزار دلار رسید. سپس با یک افت قیمت در فوریه سال ۲۰۱۹ میلادی به قیمت ۳۵۰۰ دلار رسید و از آن تاریخ به بعد در محدوده قیمتی ۶ هزار دلار و ۱۳ هزار دلار در حال نوسان است. هم‌اکنون نیز هر بیت‌کوین دارای قیمتی حدود ۱۳ هزار دلار است. طی سال‌های اخیر ارزهای دیجیتال زیادی با اهداف و ساختار متنوع شکل گرفته که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به اتریوم و ریبل اشاره کرد که این دو ارز دیجیتال توانسته‌اند در سطح جهان به محبوبیت و ارزش بازاری قابل توجهی دست یابند. در حال حاضر شاهد آن هستیم که ارزها و دارایی‌های دیجیتال به‌طور گسترده مورد استقبال موسسه‌های مالی معتبر قرار گرفته‌اند، وقتی موسساتی نظیر بانک انگلستان مفهوم دارایی دیجیتال را به رسمیت می‌شناسد و بانک ژاپن از آن به‌عنوان معامله قانونی یاد می‌کند، نمی‌توان این تحولات را نادیده گرفت. در آخرین این تحولات شرکت پی‌پل (**PayPal**)، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های حوزه پرداخت، به‌صورت رسمی اعلام کرد که تا سال ۲۰۲۱ وارد حوزه ارائه خدمات ارزهای دیجیتال خواهد شد. شرکت پی‌پل با بیش از ۳۴۶ میلیون حساب فعال، تنها در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۰ میلادی چیزی حدود ۲۲۲ میلیارد دلار تراکنش را پردازش کرده است اما ورود این شرکت به حوزه ارز دیجیتال به‌معنی استفاده از بیت‌کوین و یا سایر ارزها جهت خرید از پی‌پل نخواهد بود و تنها خدمات خرید، فروش و نگهداری ارزهای دیجیتال را ارائه خواهد کرد. تجربه موفق بیت‌کوین و مزایایی که تکنولوژی آن با خود به ارمغان آورد همچون تسریع نقل و انتقال ارز در سراسر جهان، غیرقابل شناسایی بودن طرفین مبادله، ناتوانی دولت‌ها در مصادره و بلوکه کردن، خاصیت ضد تورمی داشتن، کارمزد پایین نقل و انتقالات و بسیاری از مزایای دیگر (۱) موجب گردید در مدت زمان کوتاهی به‌طور فزاینده‌ای رشد یافته و انواع و اقسام مختلفی از آن با اهداف متنوع خلق گردد.

کلماتی مانند ارز دیجیتال، ارز مجازی، رمزارز، ارز رمزپایه، ارز رمزنگاری شده، و یا حتی رمزبینه پول، که در کتابها، سایتها، مقالات و کلیه منابع مرتبط، به چشم می‌خورد در واقع برگردان انگلیسی یک کلمه است و یک مفهوم را می‌رساند، یعنی کریپتوکارنسی است؛ کریپتوکارنسی از جمع دو لغت (**crypto**) به معنای رمزی، سری، پنهانی و (**currency**) به معنای پول رایج، ارز، ایجاد شده است و مجموع آن، یعنی پول یا ارزی که بر پایه علوم رمزنگاری شده ایجاد

رخدادهای قابل توجه، زندگی بشر دست نخورده باقی ماند اما اکنون به این صورت نیست.

مقایسه دیروز با امروز، انفجارهایی کوچک و بزرگ از ایده‌های باورنکردنی را نشان می‌دهد. در این جهان متغیر شاید ارزشهای دیجیتال تبدیل به عناصری دائمی شوند که مفهومان تغییرناپذیر است و سرانجام دنیای ما را در یک ماهیت انتزاعی به توقف وا می‌دارد.

مالیت داشتن ارز دیجیتال

برای اعتبار سنجی ارزشهای دیجیتال اولین مساله ای که باید بررسی و پاسخ داده شود این است که آیا این نوع ارزشهای دارای مالیت هستند تا بتوان در قراردادها از جمله قراردادهای پزشکی مورد استفاده قرار گیرد؟ برای پاسخ به این پرسش باید نگاهی به تعریف مال در فقه و حقوق ایران داشت.

تعریف لغوی و اصطلاحی مال

مال که اجوف واوی است، به معنای دارایی و هر چیزی است که ملک انسان بوده و آن را مالک شود (۲، ۳) که در اصل مملوکی از طلا و نقره بوده و سپس بر هر مملوکی از اعیان که جمع‌آوری و نگهداری شده، اطلاق شده است. عنصر محوری در این تعریف «ملکیت» معرفی شده، با لحاظ تفاوتی که بین مال و ملک وجود دارد. راغب در وجه تسمیه دارایی انسان به مال می‌گوید؛ چون مال مورد طبع انسان است و پیوسته از این گروه به آن گروه میل می‌کند و ماندگاری ندارد، به همین دلیل متعلقات انسان، مال نامیده شده است و به همین جهت عدم دوام، عارضی است (۴).

نکته قابل ذکر در تعریف فوق، این است که ایشان «مال» را از ریشه «میل» یعنی اجوف‌یابی می‌داند، در صورتی که «مال» از ریشه «مَوْل» بوده، به دلیل جمع مکسر آن، که «اموال» و مصغر آن، که «مویره» است.

فقها مال را به «ما یرغب به العلاء» و «ما یبذل بازائه المال» تعریف کرده اند. نایینی ملاک مالیت را بذل مال در مقابل آن می‌داند (۵). اما برخی دیگر از فقها همچون محقق ایروانی از راه عناصر شناسی به تعریف مال پرداخته است. محقق ایروانی در حاشیه خود بر مکاسب شیخ انصاری می‌نویسد، ظاهر این است که دو امر در تحقق مفهوم مال معتبر است: یک. مردم در امر دنیا و آخرت، به آن شیء نیاز داشته باشند. دو. بدون کار و تلاش، امکان دسترسی به آن نباشد. ایشان نتیجه این دو امر را اختلاف در مالیت اموال معرفی می‌نمایند. به عبارت دیگر مالیت را یک امر نسبی می‌داند که برای تشخیص مالیت اموال باید مقدار نیاز افراد و کاری که برای وصول به این نیاز صرف شده، مورد توجه قرار گیرد. بنابراین آب در کنار رودخانه مال محسوب نمی‌شود. ولی همین آب در فضایی دور از رودخانه، مال تلقی می‌گردد. حتی هر چه دورتر از رودخانه قرار گیرد، مقدار مالیت آن افزایش می‌یابد. البته این دو خصوصیت ذکر شده در جایی است که اشیاء اولاً و بالذات مورد رغبت قرار گیرند. اما اموال دیگری هم هستند که مالیت آنها به خاطر این است که به عنوان عوض در معاملات قرار می‌گیرند و اولاً و بالذات هیچگونه نیازی

استفاده می‌کرد. در این سرویس کاربران قادر بودند که هزینه تاکسی و فیش تلفن را از طریق حساب اعتباری موجود خود در بانک BBVA پرداخت کنند.

با این وجود، تلاش‌های بشر در پیشرفت و فراهم آوردن آسایش زیر سایه فناوری، به این جا ختم نمی‌شود. در ژانویه ۲۰۱۰ و نمو (Venmo) به عنوان یک شبکه مجازی برای پرداخت از طریق SMS یا همان پیام کوتاه شروع به کار کرد؛ این مورد نیز برای شما همانند تلاش قبلی به نظر می‌رسد؛ در واقع این‌طور نیست. و نمو تبدیل به مکانی شد که دوستان می‌توانستند برخی از هزینه‌های جزئی یکدیگر همانند بهای یک فنجان قهوه، اجاره و سهم هر شخص از غذا خوردن در رستوران را بپردازند. اگرچه این روش به سرعت میان دانشجویان به محبوبیت رسید اما از لحاظ ایمنی نیز دارای مشکلاتی بود که از حوصله این مطلب خارج است.

در سپتامبر ۲۰۱۱ گوگل والت (Google Wallet) راه‌اندازی شد تا کاربران آن بتوانند تمام کارت‌های اعتباری خود را بدون نیاز به نسخه فیزیکی آن‌ها، در کنار و همراه خود حمل کنند. این قابلیت کاربران را قادر می‌ساخت که بدون نیاز به نگرانی در مورد گم کردن یا فراموش کردن یک کارت اعتباری، تنها درون گوشی خود به تمام اطلاعات و روش‌های پرداخت دسترسی داشته باشند.

در همان سال شرکت مخابراتی O2 نیز دست به عملی کردن ایده مشابهی زد و سرویس O2 والت را راه‌اندازی نمود. O2 والت می‌توانست توسط حساب‌ها یا کارت‌های معمولی شارژ و سپس در فروشگاه‌ها توسط یک روش به نام Money Messages استفاده شود. البته این سرویس هرگز به اندازه استارت آپ گوگل موفق نشد و در سال ۲۰۱۴ به کار خود پایان داد.

حال که صحبت از گوگل شد، نمی‌توان یکی دیگر از غول‌های فناوری فعال در این زمینه را نادیده گرفت. اپل در سپتامبر ۲۰۱۴ یعنی ۳ سال پس از آغاز به کار سرویس ارز دیجیتال گوگل، در مراسم رونمایی از آیفون ۶، اپل پی (Apple Pay) را معرفی کرد. این کیف پول دیجیتال مدتی بعد برای آیفون ۶ و اپل واچ هم در دسترس قرار گرفت تا کار کاربران این شرکت در دستیابی به آن از همیشه آسان‌تر شود. همان‌طور که قابل حدس است، این جدای از در انحصار دستگاه‌های اپل بودن، در زمینه‌های دیگر مشابه گوگل والت عمل می‌کند.

بنابراین اکنون با سلطه اینترنت بر جهان، افزایش محبوبیت ارزشهای دیجیتال و مهیا بودن روش‌های استخراج، استفاده و پرداخت آن‌ها، نمی‌توان هیچ محدودیت و مانعی را برایشان متصور شد. آیا بیت کوین و رقبای آن می‌توانند منجر به ساخت یک امپراتوری عظیم دیگر همانند گوگل، اپل، آمازون و چنین شرکت‌هایی شوند؟

دنیای ما بدون ارزشهای دیجیتال نیز همیشه در حال حرکت به سمت جلو بوده است. مهم نیست که چه اتفاق یا روندی در حال اتخاذ است، بشر دست از تلاش برنمی‌دارد و به تدریج خودش را به نقطه‌ای می‌رساند که سال‌ها بعد تنها یک خاطره مبهم در گذشته است. با مقایسه ۵۰ سال پیش با ۴۰۰ سال پیش، شاید تنها موارد اندکی تغییر کرده‌اند. در این فاصله که آن را یک قرن می‌نامیم، جدای از

آن کالا به وجود می‌آید که از نظر عقلاً ارزشمند می‌شود، بدون ملاحظه اینکه خرید برای چه هدفی صورت می‌گیرد؛ بنابراین به مجرد ایجاد تقاضا، شیء عنوان «مالیت» پیدا می‌کند، همچنانکه اگر تقاضا برای آن از بین برود، مالیت آن به طور کلی از بین می‌رود. همانطور که مراتب مالیت هم تابع فراوانی عرضه و تقاضا است (۸۱).

با اینکه هم امام خمینی و هم شهید صدر توجه به مقوله «عرضه و تقاضا» دارند، وجه تمایز این دو تعریف آن است که شهید صدر منفعت شیء را موجب میل و رغبت می‌داند، در حالی که امام خمینی اساساً میل و رغبت نسبت به شیء را منحصر به منفعت نداشته بلکه تسری به «غرض عقلایی» اعم از سیاسی و غیر سیاسی نیز داده است. بنابراین دامنه مالیت شیء در تعریف امام خمینی گسترده‌تر و از شمول وسیع‌تری برخوردار است.

در اصطلاح حقوقی نیز هر چیزی که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابل تملک هم باشد، مال است (۹). قانون مدنی ما مال را تعریف نکرده است، اما با بررسی مصادیق اموال در مواد مختلف می‌توان دریافت که نویسندگان قانون مدنی ما آن را به معنای گسترده خود در نظر گرفته‌اند. در این معنا کلمه مال به تمام اشیاء و حقوقی که دارای ارزش اقتصادی است گفته می‌شود. در بعضی از موارد برای رفع هرگونه ابهام اموال و حقوق مالی با هم آورده شده‌اند. در نتیجه کلمه مال در عرف کنونی به دو معنی مادی و حقوقی به کار برده می‌شود.

۱- به معنای مادی و محدود، مال به اشیایی گفته می‌شود که موضوع داد و ستد حقوقی بین اشخاص قرار می‌گیرد. مانند: خانه اتموبیل فروش و جواهر.

۲- به معنای مجرد و حقوقی که عبارت است از حقوق مالی که به اشخاص امکان انتفاع از اشیای مادی را می‌دهد. مانند: حق مالکیت و طلب از دیگران.

در موردی که مالی به حکم عادت در آینده ایجاد می‌شود، زمینه این وجود در دید عرف ارزش دارد. مانند میوه درخت و منافع سکونت در خانه‌ای برای مدت زمان آینده، باید آن را مال یا در حکم مال دانست. به همین جهت، فروش میوه درخت در آینده و یا اجاره خانه درست است. به چنین معاملاتی می‌توان واگذاری استعداد عین در ایجاد مال تعبیر کرد. تلف این گونه اموال نیز موجب ضمان و مسئولیت است. مثلاً اگر شخصی مانع از انتفاع مالک از مال خود شود و کارگری را از کار خود باز دارد، باید خسارت ناشی از تلف آن را جبران کند (۱۰).

دکتر جعفری لنگرودی نیز با عناصر شناسی به تعریف مال می‌پردازد و می‌گوید:

- ۱- مال باید قابل اختصاص دادن به شخص حقیقی یا حقوقی باشد.
- ۲- در صورت اختصاص به شخص، قابل نقل و انتقال باشد. پس هر چه که مستقلاً قابل نقل و انتقال نیست، مال نیست.
- ۳- دارای نفع باشد. پس ده شاهی در زمان حاضر مال نیست.
- ۴- نفع عقلایی داشته باشد.
- ۵- ارزش ذاتی داشته باشد، مانند کار و کارگر، تمبر پست، طلب، و منافع، نه آن که حاکی ارزش باشد، مانند اوراق قرضه و دستور

به آنها نیست مثل پول و جواهر (۶). این محقق بزرگوار در پایان تعریفش به این مطلب اقرار کرده که تعریف مفهوم مال به گونه‌ای که جامع و مانع و خالی از نقص باشد، کار بسیار مشکلی است.

فقیه اقتصاد شناس مرحوم شهید صدر نیز تعریف مال را در قالب منفعت استعمالی و قیمت تبادلی مطرح کرده و در این باره می‌نویسد: منفعت استعمالی اگرچه اساس اصلی میل و رغبت است، بلکه درجه رغبت هم نسبت مستقیم با منفعت دارد. هرگاه کالا منفعتش بیشتر باشد، تمایل به آن بیشتر است. از سوی دیگر درجه این میل و رغبت، نسبت عکس با امکان دستیابی به آن کالا را دارد. بنابراین هرگاه امکان دستیابی به خاطر فراوانی آن بیشتر باشد، شوق و رغبت به آن کالا کمتر شده، در نتیجه قیمت پایین می‌آید. و واضح است که امکان دستیابی به کالا تابع کمیابی و فراوانی آن است. گاهی شیء به صورت طبیعی فراوان است، به حیثی که بدون هیچ تلاشی امکان دستیابی به آن وجود دارد مثل هوا. در این حالت قیمت تبادلی به خاطر عدم رغبت به آن به صفر می‌رسد. و هرگاه امکان دستیابی به شیء به خاطر کمیابی آن کاهش یابد، رغبت در آن بیشتر شده و موجب افزایش قیمت می‌گردد (۷).

برجستگی این تعریف همانطور که پیش‌تر اشاره شد، ارتباط مستقیم بین منفعت استعمالی و قیمت تبادلی از یک سو و نسبت معکوس بین امکان دستیابی با میل و رغبت از طرف دیگر است به گونه‌ای که مطلوبیت کالا در عین کمیابی آن موجب ایجاد رغبت و به دنبال آن ایجاد تقاضا می‌گردد. و تقاضای بیشتر هم موجب افزایش قیمت تبادلی خواهد شد. لازم به ذکر است که قیمت تبادلی که در عبارت ایشان آمده، همان ارزش مبادلاتی است که وصف مال است. توضیح آنکه برای کالا دو نوع ارزش وجود دارد: ۱. ارزش مصرفی؛ ۲. ارزش مبادلاتی.

«ارزش مصرفی» این است که به طور مستقیم — بالفعل یا بالقوه — نیازی از نیازها را تأمین کند و به عبارت دیگر فایده‌ای داشته باشد. «ارزش مبادلاتی» نیز عبارت است از اینکه آن کالا به گونه‌ای باشد که مردم حاضر باشند در برابر آن بهایی بپردازند و این ارزش در صورتی به وجود می‌آید که به گونه‌ای زیاد نباشد که با وجود اینکه نیاز اساسی را تأمین کرده و به عبارتی دارای ارزش مصرفی است، در عین حال تقاضایی نسبت به آن وجود نداشته باشد؛ مانند هوا که در عبارت شهید صدر هم به آن اشاره شده است.

امام خمینی هم که ملاک مالیت شیء را هم از نظر اصل وجود هم از نظر مرتبه و مقدار مالیت تابع عرضه و تقاضا می‌داند، به جای در نظر گرفتن خصوصیت «منفعت» که متضمن نوعی محدودیت می‌باشد، توجه خود را معطوف به «غرض عقلایی» نموده که به نوبه خود می‌تواند برانگیزاننده مردم به سوی تحصیل آن شیء و ایجاد تقاضا گردد. ایشان می‌فرماید:

چیزی که مطلقاً منفعتی نداشته باشد اگر در خرید و نگهداری آن یا خرید و از بین بردن آن یک غرض سیاسی یا غیرسیاسی یا غیر آن از اغراض عقلایی وجود داشته باشد، موجب تمایل مردم به تحصیل آن می‌شود و همین تقاضا منشأ به وجود آمدن مالیت در آن شیء می‌گردد. بنابراین اگر غرض دولتی به خرید چیزی که منفعت ندارد تعلق بگیرد، به خاطر غرض سیاسی که متوجه آن است، بازاری برای

پرداخت‌ها و سهام شرکت‌ها که حاکی از اهداف مالی هستند (۱۱). این موارد عناصر عمومی اموال بودند، البته بعضی از اموال عناصر و ویژگی‌های اختصاصی دارند. در نتیجه می‌توان گفت مال مفهومی است عرفی که عقلاً برای آن شی ارزش و اعتبار قائل هستند و در مبادلات مورد داد و ستد قرار می‌گیرد.

دیدگاه‌ها درباره ارزش‌های دیجیتال

دیدگاه‌ها درباره ارزش‌های دیجیتال را می‌توان به دو گروه موافقان اعتبار و مخالفان اعتبار ارزش‌های دیجیتال تقسیم کرد که در ادامه به بررسی ادله هریک از این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

دیدگاه اعتبار ارزش‌های دیجیتال

طرفداران اعتبار ارزش‌های دیجیتال بر این باورند که با بازخوانی تعریف مال در فقه و حقوق می‌توان گفت ارزش‌های دیجیتال دارای مالیت و اعتبار هستند چرا که ملاک مالیت و اعتبار رغبت عقلایی، منفعت داشتن، قابلیت نقل و انتقال، ارزش دار بودن است که این عناصر درباره ارزش‌های دیجیتال صادق است. چرا که در نگاه عقلای عالم و نگاه بین‌المللی در خصوص رمزارزهای بین‌المللی اعم از کوین‌ها و توکن‌ها همچون بیت‌کوین، اتریوم، ریپل و... پذیرش اجتماعی در واسطه‌گری آنها در مبادلات پذیرفته شده و هم‌اکنون رمزارزها در صدها پلتفرم معاملاتی در دسترس هستند و بسیاری از شرکت‌های بزرگ این ارزها را در سیستم‌های پرداخت خود وارد نموده‌اند به عنوان مثال بیت‌کوین، تاکون توسط مایکروسافت، آمازون، اپل، ویکس پدیا، دل و سایر برندهای بزرگ در بخش‌های متعدد بازار جهانی پذیرفته شده است. از همین رو برخی حقوقدانان ماهیت ارزش‌های دیجیتال را به خاطر صدق عنوان پول بر آن‌ها مورد تایید قرار داده‌اند (۱۲، ۱۳، ۱۴) بنابراین و باتوجه به اینکه در عرف جهانی امروز همچون یک پول با رمز ارزها برخورد می‌شود و در بخشی از مبادلات به کار گرفته می‌شود می‌توان به عنوان مصداقی نوپیدا از پول به آن نگریست که طبیعتاً از منظر فقهی و حقوقی نیز اعتبار لازم برای ثمن یا ثمن قرار گرفتن در معاملات و قراردادهای جمله قراردادهای خرید تجهیزات پزشکی را داراست.

دیدگاه عدم اعتبار ارزش‌های دیجیتال

برخی حقوقدانان بخاطر این باور که رمزارزها فاقد مالیت است، اعتبار آنها را زیر سوال برده‌اند (۱۵) این در حالی است که صدق عنوان مالیت هم از نظر فقهی و هم از نظر حقوقی نیازمند برخی شرایط است که در سطور پیشین بیان گردید و مشخص شد رمزارزها واجد این اوصاف هستند لذا تشکیک در صدق مالیت بر رمز ارزها چندان موجه به نظر نمی‌رسد.

برخی دیگر از حقوقدانان نیز با این استدلال که رمز ارزها صرفاً یک «حق دینی» است بنابراین نمی‌توان آنها را به عنوان یک پول مستقل در مبادلات اقتصادی به کار برد (۱۶). لکن در پاسخ باید گفت اولاً در تمامی انواع رمزارزها وجود تعهد دینی مصداق ندارد. دسته‌ای رمزارزها همچون بیت‌کوین اساساً توسط ناشر یا صادرکننده‌ای منتشر نمی‌شود که تعهدی وجود داشته باشد. این نوع از پول‌ها به

خودی خود ارزش معاملاتی دارند. در بخش دیگری از رمزارزها مانند رمزارزهای ملی یا پشتوانه نیز باید در مکانیزم تولید و انتشار هر کدام به تفکیک ورود کرده و این مسئله را تبیین نمود؛ در مورد رمزارزهای ملی شاید بتوان آن را یک نوع تعهد دانست، لکن در مورد رمزارزهای پشتوانه به جهت تنوع مالی که به عنوان پشتوانه قرار می‌گیرد و امکان وجود پشتوانه مجازی برای آن، به قاطعیت نمیتوان منشأ تمامی آنها را یک تعهد دانست. ثانیاً پول بودن پول به قابل تبدیل بودن و نبودن آن نیست، بلکه به قابلیت مبادلاتی و پذیرش آن به عنوان ثمن معامله است. همچنان که اسکناس‌های اولیه با پشتوانه طلا و نقره اگرچه صرفاً یک تعهد دینی بودند و به خودی خود ارزش ذاتی نداشتند، لکن تردیدی در تلقی آن به عنوان پول وجود ندارد. در خصوص این اسکناس‌ها، بانک ناشر آن، به پشتوانه و بر مبنای طلا و نقره‌ای که ذخیره می‌نمود، اوراق اسکناس صادر می‌کرد و تعهد داشت در صورت درخواست دارنده، معادل آن را با طلا و نقره مبادله نماید. در این سیستم، اسکناس بیانگر یک حق مالی شخصی یا حق دینی با قابلیت انتقال بود. در نتیجه این اوراق اسکناس فی‌نفسه مال نبودند بلکه حاکی از مقداری مال بودند؛ آنچه مالیت داشت و مال محسوب می‌شد همان طلب دارنده و رقه اسکناس از بانک ناشر بود این موضوع موجب عدم صدق عنوان پول به این اسکناس‌ها نمی‌شد. فلذا حتی در خصوص مصداقی از رمزارزها که نوعی تعهد به شمار می‌روند، این موضوع آسیبی به ماهیت پولی آنها نخواهد زد (۱۷).

ادله قرآنی و فقهی

طرفداران اعتبار ارزش‌های دیجیتال و همچنین مدافعان عدم اعتبار ارزش‌های دیجیتال می‌توانند به برخی از آیات قرآن کریم و ادله فقهی استناد نمایند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

ادله قرآنی و فقهی اعتبار ارزش‌های دیجیتال

در قرآن کریم به صراحت به برخی از مصداق پول اشاره شده است. به عنوان نمونه «درهم» که از مصداق پول است به صورت جمع (دراهم) در قرآن آمده است: «و شَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَّعْدُودَةٍ وَ كَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» (یوسف: ۲۰). همچنین واژه «وَرَقٌ» نیز در قرآن مورد استعمال قرار گرفته است که بنا بر نظر قرآن پژوهان به معنای درهم یا سکه ضرب شده از نقره دانسته شده است (۱۸، ۱۹) در آیه ۱۹ سوره کهف این چنین آمده است: «... فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ...». این آیه به اصحاب کهف اشاره دارد که پس از بیدار شدن از خواب چند صد ساله یکی از آنها با درهمهای قدیمی به شهر می‌رود تا غذایی فراهم کند. واژه «دینار» نیز در قرآن و در ضمن بیان احوال اهل کتاب آمده است: «وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنِ انْتَمَتْهُ بِقَنْطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنِ انْتَمَتْهُ بِدِينَارٍ لِأُيُودِهِ إِلَيْكَ...» (آل عمران: ۷۵) در این آیه دینار در مقابل قنطار قرار گرفته است و به مقدار کم در مقابل میزان زیادی از مال و ثروت اشاره دارد. همچنین مفسران تعبیر «الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» در آیه ۳۴ توبه «وَالَّذِينَ يَكْتِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» را نیز اشاره به دینار و درهم دانسته‌اند. نتیجه این بررسی اینکه قرآن کریم با توجه به پول رایج در آن زمان پیرامون مصداق

داده اند؛ لذا می توان گفت که عقلای جامعه برای معاملات مبتنی بر بیت کوین، سبب عقلایی و عرفی قائل نیستند و از این رو این معاملات از مصادیق اکل مال به باطل خواهد بود. (۲۲). در پاسخ به این دلیل نیز گفتنی است همانطور که در سطور پیشین بیان شد امروزه بالوجدان این مطلب تصدیق می شود که عقلا و عرف، بیت کوین و ارزهای دیجیتال را در معاملات و داد و ستدهای خود به کار می برند و یکی از ارزهای رایج و مشهور است حال چگونگی ادعای عدم مقبولیت بیت کوین در میان عقلا و عرف شده است خود جای سوال جدی دارد؛ این پژوهشگران سخن از کدام عرف و یا عقلا می کنند؟ آیا باید همانند ارزهای سنتی، ارزهای دیجیتال هم در بین همه مردم رایج شود تا گفته شود عرف و عقلا آن را معتبر می شمارند؟ در فقه نیز اثبات شده است که معیار در تبیین همه مفاهیم عرفی و کیفیت انطباق آن ها بر موارد عرف است، زیرا شارع در محاوره و گفتگو با دیگران اصطلاح خاص و روش ویژه ای ندارد. (۸) البته باید به این مهم نیز توجه داشت که عرف طریق فهم واقعیت ها است و نظر کارشناس (عرف خاص) در تطبیق مفاهیم عرفی (مثل پول) بر واقعیت ها (مانند ارزهای دیجیتال) بر عرف عام مقدم است (۲۴) عرف خاص (کارشناسان) امور اقتصادی نیز معتقدند واحدهای پولی نیازمند یک وسیله برای ذخیره سازی و مبادله هستند، این وسیله گاه به صورت سکه های فلزی، و گاه به صورت ورق اسکناس و گاهی هم تراشه های دیجیتالی است که در تحلیل حقوقی سند پولی یا ابزار پولی نامیده می شود در علم اقتصاد برای پول سه کارکرد بیان شده است: وسیله مبادله، واحد محاسبه و سنجش ارزش، وسیله حفظ و ذخیره ارزش (۲۵) در نگاه بین المللی امروزه رمزارزها به عنوان وسیله مبادله شناخته می شود. در خصوص واحد سنجش ارزش هم باید گفت رمزارزها اعتبار خود را از دلار اخذ نمی کنند بلکه دلار مبنای سنجش ارزش آن است و تا زمانی که بین معامله گران معتبر باشد، پول تلقی می شود و واسطه گری مالی خود را حفظ خواهد کرد. در خصوص ذخیره ارزش هم هرچند برخی رمزارزها دچار نوسان قیمت می شوند لکن رمزارزهای ملی و با پشتوانه چنین نوساناتی وجود ندارد لذا نمی توان آنها را یک سره به خاطر نوسانات قیمت از شمول مفهوم اقتصادی پول خارج دانست. بنابراین از منظر عرف عام (مردم) و عرف خاص (کارشناسان) رمزارزها نوعی ارز و پول می باشند که در مبادلات و قراردادهای جمله قراردادهای خرید تجهیزات پزشکی کارآیی دارند.

یکی دیگر از ادله ی که برای عدم اعتبار ارزهای دیجیتال بدان استناد شده است، «سفهی» بودن معاملات با ارزهای دیجیتال است. طرفداران این دیدگاه در توضیح این دلیل گفته اند: فقها دلیل بطلان معاملات سفهی را این طور بیان می کنند که «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) و «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: ۲۷۵) عقود و معاملات عقلایی متعارف را شامل می شود نه هر عقد و معامله ای هرچند سفهی باشد (۲۶) و از آنجایی که مالیت بیت کوین و داشتن غرض عقلایی در معاملات آن مورد تردید جدی است، سفهی بودن معامله نیز از جمله مسائلی است که از نظر فقهی می تواند صحت معاملات بیت کوین و رمز ارزها را با اشکال روبه رو کند. (۲۲) در نقد این استدلال باید گفت

موجود سخن گفته است حال با توجه به مقتضیات زمان و مکان که در اجتهاد و استنباط احکام شرعی تاثیر بسزایی دارد (۲۰) می توان گفت پیدایش پول های نوپدید مانند ارزهای دیجیتال مصادیقی از پول محسوب می شود که رایج و دائر بین مردم است و نباید صرفا پول هایی همچون درهم و دینار و سکه و پول های کاغذی را پول دانست. همچنین باید توجه داشت قرآن کریم علیرغم اینکه در ضرب سکه های درهم و دینار به واسطه امکانات آن روزگار مسامحه می شد و از نظر وزنی یکسان نبودن لکن همان سکه های معروف بین مردم را مورد پذیرش قرار داد و دست به تاسیس مصادیق جدیدی از «پول» نزد. همین امر به علاوه اینکه مساله پول و مال در زمره مسائل و احکام «امضایی» شارع مقدس است و تاسیس و اختراع از سوی شارع صورت نگرفته است لذا نمی توان بر مصادیق جدید پول همچون رمزارزها ایراد وارد ساخت مگر اینکه مشمول سایر عناوین محرمه باشد و گرنه به خودی خود ایراد فقهی بر آن وارد نیست. اما از آنجایی که مساله ارز دیجیتال امروزه به نظام اقتصادی کشورها مرتبط می شود و چه بسا حاکمیت و استقلال اقتصادی یک کشور را تحت تاثیر قرار دهد با نگاه فقه حکومتی حاکم اسلامی با مشورت با کارشناسان و بررسی مصالح و مفاسد ارزهای دیجیتال یک حکم کلی برای این موضوع صادر می کند (۲۱). بنابراین می توان واژه مال که مورد نظر قرآن کریم است را در مورد ارزهای دیجیتال به کار برد و از حیث به کارگیری آن در قراردادهای جمله قراردادهای پزشکی بدون اشکال است.

ادله قرآنی و فقهی عدم اعتبار ارزهای دیجیتال

برخی از محققین برای عدم اعتبار ارزهای دیجیتال به آیات قرآن کریم و برخی قواعد فقهی استناد کردند که باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. یکی از ادله عدم اعتبار ارزهای دیجیتال «عدم مالیت» آن ها می باشد. عدم مالیت ثمن یا مثنی در معامله ای که بیت کوین یکی از عوضین باشد از نظر فقهی مورد تامل است به دیگر سخن موضوع تعهد باید در بازار ارزش داد و ستد را داشته باشد. (۲۲) در پاسخ به این اشکال باید گفت صدق عنوان مالیت یک صدق عرفی است و امروزه در عرف بر ارزهای دیجیتال از جمله در بیت کوین عنوان مال اطلاق می گردد و استفاده از آن در داد و ستدها نشانگر مالیت داشتن آن نزد عرف است. در فقه نیز اثبات شده است که برای صدق عناوین عرفی مرجع و داوری اصل عرف است (۲۳) و در اینجا نیز صدق عرفی مال محقق است.

یکی دیگر از ادله قرآنی و فقهی که برای عدم اعتبار ارزهای دیجیتال بیان شده است آن است که این نوع ارزها مصادیق «اکل مال به باطل» هستند که صریحا قرآن کریم از آن نهی کرده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹) ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. اگر بر مبنای مشهور فقها، «باء» در «الباطل» را به معنای سبب بگیریم، معامله ای که بر مبنای سبب باطل و غیر عرفی و عقلایی شکل بگیرد، محکوم به بطلان است و از همین رو با توجه به اینکه عرف عقلا، معاملات بیت کوین را مورد تامل و تردید قرار

شبهه‌ی سبیل و سلطه کفار بر مسلمین را در پی دارد و طبیعی است که در این امور باید از نظر کارشناس بهره‌برند. (۲۸)

غری بودن معاملات با ارزشهای دیجیتال یکی دیگر از ادله‌ای است که طرفداران عدم اعتبار این نوع ارزشها بدان استناد کردند. این گروه بر این باورند که با استناد به حدیث نبوی «نهی النبی عن بیع الغر» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۴۸/۱۷) هرگونه قراردادی که مشتمل بر نوعی فریب یا مخاطره باشد مشمول نهی پیامبر و مصداق بیع غری است. (۲۹) در مورد بیت کوین نیز نوسانات بسیار زیاد قیمتی آن و نیز جهل و عدم شفافیت دقیق سازوکار این نوع از رمز ارز باعث غری بودن آن است. بیت کوین از ابتدا تا به امروز از لحاظ قیمت کاملاً بی‌ثبات بوده و نوسانات قیمتی شدیدی را تجربه کرده است؛ لذا این نوسان قیمت در بیت کوین و ناشناخته و خطر پذیر بودن این رمز ارز، معاملات آن را با غرر همراه خواهد کرد. (۲۲) در پاسخ به این استدلال باید گفت برای تشخیص غری بودن یک معامله، باید به عرف مراجعه کرد (شهید اول، ۱۴۱۴، ۷۵/۲) و دید که آیا در فلان معامله غرر تحقق یافته است یا خیر؟ عرف عقلاً نیز هرگونه ضرری را موجب تحقق غرر نمی‌داند و فقط اگر در معامله‌ای ضرر فاحشی به یکی از متعاقدين از ناحیه جهل به عوضین صورت بگیرد آن معامله را غری می‌داند زیرا احتمال ضرر کن در هر قرارداد و معامله‌ای وجود دارد و بیشتر معاملات همراه با خطر هستند بنابراین غرر و ضرر ناشی از جهالتی موجب بطلان عقد است که قابل تسامح عرفی و عادی نباشد (۳۰) اکنون در خصوص ارزشهای دیجیتال باید گفت آیا از نظر عرفی معامله با این ارزشها، غرر و دارای ضرر فاحش است؟ عرف عام و خاص این نوع ارزشها را در مبادلات پذیرفته‌اند و ضرری را در باره آن متصور نمی‌دانند. اینکه نوسانات درباره ارزشهای دیجیتال وجود دارد اولاً در خصوص همه نوع ارزشها نیست بلکه بیشتر آنها روبه رشد هستند ثانیاً نوسانات ملاک عدم مشروعیت معاملات نیست زیرا اگر بخواهیم نوسانات را ملاک عدم مشروعیت معاملات بدانیم باید تمامی خرید و فروش‌های ارزشهای سنتی مثل دلار و یورو و همچنین خرید و فروش سهام و اوراق بورس را در کشور نیز باطل اعلام کنیم زیرا در سالهای اخیر نوسانات بسیار زیاد و فاحش تا ده برابری را تجربه کرده‌اند اما آیا تاکنون بدین خاطر فقیه یا حقوقدانانی به بطلان معاملات ارزشهای سنتی یا سهام ارائه شده در بورس اوراق بهادار با همه نوسانات خیره‌کننده‌ای که آنها تجربه کرده‌اند، رای داده است؟

الزامات قانونی درباره ارزشهای دیجیتال

بر اساس تحلیلی که از ماهیت مال و پول از منظر فقهی و حقوقی انجام پذیرفت، ارزشهای دیجیتال هم مشمول عنوان «مال» و هم مشمول عنوان «پول» هستند. لکن در مرحله اجرا باید این نوع ارزشها از سوی حاکمیت و دولت‌ها مورد پذیرش قرار گیرند تا اعتبار مبادلاتی خود را کسب نمایند. بنابراین باید دید آیا از نظر قوانین موجود ایران چنین ارزشهایی به عنوان پول به رسمیت شناخته شده‌اند یا خیر؟

بند ب ماده ۲ قانون پولی و بانکی چنین مقرر داشته است: «فقط اسکناس و پولهای فلزی که در تاریخ تصویب این قانون در جریان

همان طور که این پژوهشگران خود اذعان کرده‌اند «سفهی» بودن از آنجا ناشی می‌شود که غرض عقلایی و مالیت در یکی از ارکان معامله وجود نداشته باشد. این در حالی است که امروزه ارزشهای دیجیتال هم دارای مالیت و هم غرض عقلایی از داد و ستد آنها وجود دارد. پس چگونه ادعای سفهی بودن آن می‌شود؟

برخی نیز با استناد به آیه‌ی نفی سبیل «وَكُنْ سَبِيلًا لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) نظر به عدم اعتبار ارزشهای دیجیتال دارند. بنابراین آیه شریفه که قاعده فقهی «نفی سبیل» از آن استخراج شده است، هیچگونه حکمی که موجبات تسلط کفار بر مسلمانان و مومنان را فراهم آورد، وجود ندارد، این حکم به صورت کلی و عام است و همه موارد را شامل می‌شود. در حقیقت ناشر پول اعتباری، قدرت خریدی را ایجاد می‌کند که برای او آقایی یا سلطه به ارمغان می‌آورد، در حالی که در پولهای حقیقی حق آقایی یا سلطه ایجاد نمی‌شود، چرا که با صرف نظر از ارزش اعتباری، همچنان ارزش مصرفی آن باقی می‌ماند. از این رو براساس قاعده نفی سبیل مسلمانان باید خود، به انتشار پول اقدام کنند. در نقد این استدلال گفتنی است بدون تردید مفهوم سبیل با اینکه مفهومی ثابت است لکن در تحقق و عینیت یافتن (مصداق)، متغیر و تابع شرایط زمانی و مکانی است. این مفهوم به اقتضای لایه دار و پیچیده بودنش به شدت تحت تاثیر شرایط و ظرفیتهای است. چه بسا آنچه در گذشته مصداق سبیل بوده، در دوران معاصر نباشد و بالعکس. اختلاف مکان نیز از عناصر موثر در تحقق سبیل و عدم آن است؛ از این رو سپردن منصبی به کافر یا همکاری با وی در دارالکفر ممکن است مصداق سبیل نباشد؛ اما همین واگذاری و همکاری در دارالاسلام مصداق سبیل به شمار آید. به عنوان مثال همکاری گسترده‌ی دولت اسلامی با دولت غیر اسلامی یا ملت غیر مسلمان در بلاد کفر به تشخیص هیچ فرد و نهادی سبیل کافر بر مسلمان به حساب نمی‌آید (مگر جهت جانبی و خاصی در کار باشد) در حالی که غالباً این نوع همکاری در بلاد اسلامی، سبیل به حساب می‌آید. قاعده‌ی نفی سبیل چون بسیاری از احکام دیگر اسلام در تراحم و برخورد با مصالح مهم‌تر تخصیص پذیر است. زندگی در بلاد کفر و بسیاری از عناصر دیگر گاه باعث می‌گردد که فرد مسلمان یا جامعه اسلامی ناچار باشد، به طور موقت این قانون را نادیده بگیرد تا منافع مهم‌تری را تأمین نماید. چنانکه گاه دولت و نظام اسلامی ناچار است به انگیزه نفی هرگونه سبیل و سلطه در آینده، به طور موقت و گذرا پذیرای نوعی سلطه باشد. محقق بجنوردی در این باره می‌گوید:

"ربما يكون مصلحة اهل الاسلام او المسلمین يكون سبباً لجعل حکم يكون موجباً لعلو الكافر علی المسلم فی بعض الاحیان، كما انه ربما يجعل حکماً يكون موجباً لافناء جماعة من المسلمین كما فی مورد تترس الكفار بالمسلمین" (۲۷) البته باید شناخت مصالح، تضارب آنها و تقدیم یکی بر دیگری با احتیاط و کارشناسی دقیق صورت پذیرد، به ویژه وقتی که به جامعه اسلامی و عموم مسلمین مربوط است. گفتنی است: مرجع در تشخیص مصالح و مصلحت‌های مهم و مهمی، در وقتی که مساله فردی است، شخص مکلف است و در وقتی که مورد کلی و عمومی است، کسانی هستند که متصدی عملی می‌باشند که

نتیجه گیری

مساله اصلی این مقاله بررسی مبانی حقوقی و فقهی در خصوص اعتبار ارزهای دیجیتال در قراردادهای پزشکی بود. پس از بررسی ها و تحلیل های صورت پذیرفته مشخص گردید از نظر مبانی فقهی و حقوقی می توان ارزهای دیجیتال را در قراردادهای پزشکی به کار گرفت و از این حیث با مشکل مبنایی مواجه نیست. هرچند برخی از فقه پژوهان و آشنایان با حقوق اشکالات و ایراداتی را در این باره مطرح کرده اند اما ضمن پاسخ به آن اشکالات و ایرادات باید به این واقعیت توجه کرد که امروزه به کارگیری ارزهای دیجیتال در معاملات بین المللی رایج شده است و با توجه به برخی موانع ارتباطات بانکی می توان ارزهای دیجیتال را به عنوان جایگزین در قراردادهای پزشکی مورد استفاده قرار داد. لکن از حیث قانونی تا کنون قانونی جامع و کامل در این باره وضع نشده است و آخرین اراده و نظر رسمی دولت مبنی بر جواز استفاده از رمزارزها در مبادلات خارجی است البته بدون حمایت و پشتوانه دولت. که این خلا قانونی، ضرورت تدوین قانونی شفاف و مشخص و همه جانبه در این باره را می طلبد. در عین حال و با توجه به آخرین مصوبه هیئت وزیران میتوان گفت استفاده از ارزهای دیجیتال در مبادلات خارجی از جمله قراردادهای پزشکی مشکل قانونی و حقوقی ندارد.

References

1. Karl Hardle, Wolfgang. R, Harvey, Campbell. C, G, Reule, Raphael (2019) 'Understanding Cryptocurrencies'. International Research Training Group 1792
2. Ibn Manzoor, Muhammad (1414 AH) Arabic Language, Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution, Third Edition.
3. Wasiti Zabidi, Seyed Mohammad (1414 AH) (The crown of the bride from the jewel of the dictionary, Lebanon: Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution, first edition.
4. Ragheb Isfahani, Hossein. (1412 AH) Vocabulary of the words of the Qur'an, Lebanon: Dar al-Alam - Al-Dar al-Shamiya, first edition.
5. Naini, Muhammad Hussain. (1373) Moniyat al-Talib in the footnote of al-Makasib, Tehran: Muhammadiyah Library, chapter one.
6. Irvani, Ali (1406 AH) Margin of Gains, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, first edition.

بوده و یا طبق این قانون انتشار می یابد جریان قانونی و قوه ابراء دارد. « همچنین در ماده ۳ این قانون نیز آمده است: « امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است و این امتیاز با رعایت مقررات این قانون منحصرأ به بانک مرکزی ایران واگذار می شود. ». بنابراین برای اعتبار پول باید از سوی مرکزی آن مال به عنوان پول شناسایی و معتبر معرفی گردد. در مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با صدور دستور العملی ممنوعیت مبادله رمز ارزها را اعلام نمود. در مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ نیز بانک مرکزی اقدام به انتشار «پیش نویس سیاستنامه بانک مرکزی در خصوص رمز ارزها» کرد و با دعوت از کارشناسان نظرات آنان را پیرامون این پیش نویس جویا شد. همچنین بانک مرکزی در مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۹ اطلاعیه ای به شرح زیر صادر کرد: «با استناد به قانون پولی و بانکی کشور (مصوب سال ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن) که تولید و انتشار پول رایج و تعیین ابزارهای پرداخت را در انحصار بانک مرکزی قرار داده است، این بانک ضمن تاکید مجدد به فعالان حوزه پولی و بانکی کشور مبنی بر رعایت و اجرای مصوبه مورخ ۱۳۹۶،۱۰،۹ سی امین جلسه «شورای عالی مبارزه با پولشویی» درخصوص رمزارزها و با اشاره به مخاطرات ناشی از معرفی و استفاده از رمزارزها، موارد و نکات زیر را به آگاهی می رساند:

- ۱- انتشار رمز ارز با پشتوانه ریال، طلا و فلزات گرانبها و انواع ارز در انحصار بانک مرکزی است.
 - ۲- تشکیل و فعالیت اشخاص برای ایجاد و اداره شبکه پولی و پرداخت مبتنی بر فناوری زنجیره بلوک، از نظر این بانک، غیرمجاز محسوب می شود. بانک مرکزی حق پیگرد قانونی اشخاصی که با نادیده گرفتن مقررات، به ایجاد و اداره شبکه اقدام یا نسبت به آن تبلیغ می کنند را برای خود محفوظ می داند.
 - ۳- هرگونه ضرر و زیان ناشی از فعالیت بر اساس شبکه های پولی و پرداخت مبتنی بر فناوری زنجیره ای بلوک و کسب و کارهای مرتبط با آن، متوجه ناشر(ین)، پذیرنده (گان) و یا متعاملان آن است.
 - ۴- موضوع استخراج رمز ارزهای جهان روا و شرایط آن در کمیسیون اقتصادی دولت در حال بررسی است و پس از اتخاذ تصمیمات لازم، ضوابط آن مطابق با مقررات و مصوبه فوق ابلاغ می شود.»
- نهایتاً هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ تنها استخراج رمز ارزها را با کسب مجوز از وزارت صنعت معدن و تجارت مجاز اعلام کرد و این چنین مقرر داشت: «استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول مسئولیت خطرپذیری (ریسک) از سوی متعاملین صورت می گیرد و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست». بنابراین می توان گفت بنابر آخرین آیین نامه از نظر دولت جمهوری اسلامی ایران، استفاده از رمز ارزها با قبول ریسک آن از سوی طرفین قرارداد مجاز می باشد البته حمایت دولتی در این باره وجود ندارد و در مبادلات داخل کشور نیز نباید از آنها استفاده شود.

20. Andalib, Hossein (2014), The Capacities of Governmental Jurisprudence to Face Globalization, Quarterly Journal of Governmental Jurisprudence, Vol. 1, Spring and Summer 2016, pp. 119-137.
21. Andalib, Hossein (2017), Similarities and differences between individual and governmental jurisprudence, Pure Life Quarterly, Vol. 9, Spring 2017, pp. 111-126.
22. Mirzakhani, Reza; Saadi, Hossein Ali (1397), Bitcoin and the financial and jurisprudential nature of virtual money, vol. 30, autumn and winter of 1397, pp. 71-92.
23. Andalib, Hossein (1397), Customary Associations in Jurisprudence and Law, Qom, International Center for the Development of Science, Culture and Rationality.
24. Alidoost, Abolghasem (2007), Jurisprudence and Custom, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought.
25. Hassanzadeh, Ali, Ahmad Mojtahed, Pouya Baghdadi and Farhad Taghizadeh Hesari (2017), Money and New Banking, Second Edition, Tehran: Jangal Publications (Javadaneh).
26. Makarem Shirazi, Nasser (1428), Sharia tricks and correct solutions, Qom, Imam Ali Ibn Abitaleb (AS) School.
27. Al-Bajnurdi, Sayyid Muhammad Hassan (1419), Rules of Jurisprudence, research by Mehdi Mehrizi and Muhammad Hassan Drayati, Qom, Hadi Publishing.
28. Alidoost, Abolghasem (2004), The rule of mustache negation, Quarterly Journal of Articles and Reviews, 2004, No. 76, pp. 231-251.
29. Vahdati Shabbiri, Hassan (1379), The anonymity of the transaction, Qom, Qom Seminary Islamic Propaganda Office Publications.
30. Mughniyeh, Mohammad Javad (1421), Fiqh of Imam Al-Sadiq (AS), Qom, Ansarian
7. Sadr, Seyed Mohammad Baqir (1417 AH) Economics, Qom: Islamic Propaganda Office, first edition.
8. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1415 AH), Al-Makasib Al-Muharram, Qom: Imam Khomeini Publishing House, First Edition.
9. Adl, Mustafa (2006), Civil Law, p. 31, Qazvin, Taha Publications.
10. Katozian, Nasser (2009), Property, Tehran, Mizan Publishing.
11. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2007), Extensive in Legal Terminology, Tehran, Ganj-e-Danesh Library Publications.
12. Amini, Mansour and Mohammad Miri (2014), "Electronic data like money", Legal Research, No. 16.
13. Roshan, Mohammad, Mostafa Mozaffari and Hanieh Mirzaei (1398), "Study of the jurisprudential and legal status of Bitcoin", Legal Research Quarterly, No. 87.
14. Seyed Hosseini, Mir Meysam and Meysam Doaei (2014), "Bitcoin is the first virtual money", Bourse Monthly, Nos. 114 and 115.
15. Mahmoudi, Asghar (1398), "Analysis of virtual currencies in the light of jurisprudence", Quarterly Journal of Private Law Studies, 1940, No. 3.
16. Alsan, Mustafa (2007), "Legal Concept and Nature of Electronic Money", Legal Journal of Justice, No. 59
17. Servants, Mahmoud; Koosha, Aboutaleb; Nouri, Fatemeh (1400), Identifying the legal nature of cryptocurrencies by their structural analysis in the Iranian legal system, Legal Quarterly of Justice, Volume 85, Number 115, October 1400, pp. 349-372.
18. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar (1413), The Discovery of the Truths of Al-Tanzil, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.
19. Tusi, Abu Ja'far (1418), Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran, Beirut, Dar al-Malayan.